

«کمیته مجازات»؛ کمیته ای بهایی

۸ بهمن ۱۳۹۶ ساعت ۰:۴۴

کمیته مجازات بعد از انجام چندین قتل و ترور، در پاییز ۱۲۹۶ شناسایی و بسیاری از اعضای آن دستگیر و زندانی شدند. در رابطه با نحوه شناسایی و دستگیری افراد، روایت‌های متفاوتی وجود دارد؛ اما یکی از اشخاصی که در رابطه با دستگیری اعضای کمیته نقش محوری داشت فردی است به نام عبدالله بهرامی که در آن زمان معاونت کل اداره آگاهی نظمیه را بر عهده داشت.

کافه تاریخ- مقاله تاریخی

در بحبوحه جنگ جهانی اول که شعله آن، کشور ایران را نیز دربرگرفت، افراد و گروه‌هایی با سؤاستفاده از وضعیت پیش آمده دست به تشکیل گروه‌هایی جدید با اهدافی ناشناخته و سری زدند. کمیته مجازات، یکی از نهادهایی است که با اهداف خاصی تشکیل و بنیان‌گذاران آن برای مدتی دست به اقداماتی زدند. این نهاد، زمان چندان زیادی پابرجا نماند و به فاصله نزدیک به دوسال از تأسیس، اعضای اصلی آن دستگیر و نهاد مذکور به کلی برچیده شد. با این مقدمه کوتاه، در ادامه به معرفی بیشتر این نهاد، بنیانگذاران آن و اقداماتی که در طول فعالیت کمیته صورت گرفت پرداخته می‌شود.

کمیته مجازات و بنیانگذاران آن

کمیته مجازات به طور رسمی در اواسط سال ۱۲۹۵ شمسی تشکیل گردید. بنیانگذاران اصلی این انجمن، میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده، اسدالله خان ابوالفتح زاده و محمدنظرخان مشکوه‌الملک بودند. برخی در رابطه با علل تشکیل انجمن، معتقدند که بانیان آن در اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله دست به تشکیل آن زدند که البته این ادعا از سوی بسیاری از افراد و منابع رد شده است زیرا با استناد به تاریخ، کمیته در زمان تشکیل دولت اول و وثوق‌الدوله اعلام موجودیت نمود، یعنی چند سال قبل از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ و تا پیش از آن نیز به طور کامل منحل شد. با این حال گرچه فلسفه اصلی و وجودی این انجمن به طور کامل مشخص نیست اما بر اساس اقداماتی که این گروه از بدو تأسیس کمیته انجام داد، می‌توان هدف آن را قتل و ایجاد آشوب دانست.

کمیته هدف از این ترورها را ارتباط آن افراد با اجنبی‌ها و به عبارتی روسیه و انگلیس می‌دانست؛ اما زمانی که به پیشینه افرادی که مورد ترور واقع شدند، نگریسته می‌شود، چنین ادعایی رد می‌گردد. از سویی گفته می‌شود، اسدالله‌خان ابوالفتح‌زاده، خود یکی از افراد گارد قزاق بوده است که بعدها از آن سمت کناره‌گیری می‌کند. قزاق هم قشونی بود که توسط روسها تشکیل شد و از نظر سیاسی، مدافع حکومت استبدادی بود و تحت نظر روسها قرار داشت. گذشته از این بسیاری از افراد کمیته، همچنان در نیروی قزاق و یا نهادهای وابسته به بیگانگان مشغول فعالیت بودند. در این رابطه کسروی از منشی‌زاده، مسئول شناسایی سوژه‌های ترور نام می‌برد که تا دوران مشروطیت در بخش دفتری نیروی قزاق به فعالیت می‌پرداخت. ۱ بدین ترتیب می‌توان توجیه این کمیته در رابطه با ارتباط داشتن افراد با اجنبی را اساساً نقد و مورد تشکیک قرار داد؛ زیرا بسیاری از افراد کمیته، خود نیز در آن نهادها فعالیت می‌کردند.

ساختار سیاسی و اداری کمیته

کمیته از ساختار چندان پیچیده‌ای برخوردار نبود و افرادی که در آن قرار داشتند، هر یک مسئول کار خاصی بودند. به عنوان مثال، یک نفر مسئول شناسایی سوژه‌های ترور، فردی دیگر مسئول امور مالی و افراد دیگر نیز مسئولیت‌هایی چون نوشتن و یا پخش شب‌نامه، سرپرست کمیته اجرایی و... را بر عهده داشتند. یکی از مهمترین مسئولیت‌های کمیته، انجام ترورها بود که شخصی به نام کریم دواتگر مسئول آن بود. بر این اساس اولین فردی که مورد ترور این فرد و کمیته واقع شد، شخصی به نام میرزا اسماعیل خان بود که رئیس یکی از انبارهای غله تهران بود. بهانه قتل وی، ارتباط با اجنبی‌ها و احتکار گندم بود. شیخ فضل‌الله نوری نیز از جمله کسانی بود که مورد ترور این انجمن واقع شد؛ اما از این واقعه جان سالم به در برد. شرح ماجرای ترور شیخ فضل‌الله را، کسروی در کتاب خود به خوبی شرح داده است. وی در این رابطه می‌گوید: «جمعه شب بود و شیخ از دیدن کسی برمی‌گشت که هنگام پیاده شدن از درشکه توسط شخصی که بعداً معلوم شد کریم دواتگر است به وسیله ششلولی هدف قرار گرفت. گلوله‌ها به همراهان شیخ اصابت کرد و شیخ مجروح شد ولی جان سالم به در برد.» ۲

کمیته در طول فعالیت و ترورهایی که انجام داد، چندین نفر را شناسایی و هدف گلوله قرار داد. از دیگر «قربانیان این کمیته میرزا محسن مجتهد برادر صدرالعلماء بود که توسط احسان‌الله خان و رشیدالسلطان به قتل رسید.» ۳ هر چند برخی از این ترورها، دستگیری یا کشته شدن خود اعضای کمیته را به دنبال داشت. چنانچه در جریان ترور شیخ فضل‌الله، دواتگر دستگیر می‌شود. کسروی در این رابطه نیز می‌گوید: «کریم که خود را گرفتار اطرافیان دید، زیر گلولی خود گلوله‌ای شلیک کرد که از گونه‌اش بیرون پرید. مجروحان را به خانه شیخ بردند و به مداوایشان پرداختند. کریم نیز مانند بقیه مجروحان بهبود یافت و به جرم این اقدام به زندان افتاد.» ۴

کمیته مجازات و ارتباط آنها با بهائیان

به نقل از برخی منابع موثق، اعضای کمیته نه تنها با بهائیان ارتباط داشتند بلکه خود نیز بهایی بودند. برخی از افراد و منابع بر این ادعا صحت گذاشته و با ارائه شواهدی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. گفته می‌شود «سران کمیته مجازات، به ویژه اسدالله خان ابوالفتح‌زاده، ابراهیم خان منشی‌زاده و محمد نظرخان مشکات الممالک، بهایی بودند و به تبلیغات بهاییگری شهرت داشتند.»^۵ البته برخی این موضوع را مورد تردید قرار داده و معتقدند که این افراد نمی‌توانستند بهائی باشند؛ زیرا طبق اصول بهائیان، دخالت در سیاست منع شده است. در پاسخ به این ادعا نیز باید گفت که علیرغم تأکید بهائیان به عدم دخالت در سیاست، بسیاری از آنان در همان دوره و حتی در دوره‌های بعدی به ویژه در عصر پهلوی دوم در بسیاری از امور سیاسی دخالت داشته و یا در صدد نفوذ سیاسی بودند.

شناسایی و دستگیری اعضای کمیته

کمیته مجازات بعد از انجام چندین قتل و ترور، در پاییز ۱۲۹۶ شناسایی و بسیاری از اعضای آن دستگیر و زندانی شدند. در رابطه با نحوه شناسایی و دستگیری افراد، روایت‌های متفاوتی وجود دارد؛ اما یکی از اشخاصی که در رابطه با دستگیری اعضای کمیته نقش محوری داشت فردی است به نام عبدالله بهرامی که در آن زمان معاونت کل اداره آگاهی نظمیه را بر عهده داشت. البته نقش وی در پرونده کمیته تا حدود زیادی مبهم و سؤال برانگیز است. چنانچه گفته می‌شود وی ابتدا درگیر این پرونده شده و با نقش خود باعث دستگیری بسیاری از اعضای آن می‌شود؛ اما بعدها کوشید نقش خود را در این واقعه کم‌رنگ و حتی خود را از هواداران آن بنمایاند. با این حال بسیاری او را عامل دستگیری رهبران و از هم پاشیدن کمیته مجازات دانسته‌اند.^۶ اعضای دستگیر شده، در نهایت توسط وثوق‌الدوله اعدام می‌شوند؛ اما برخی از آنان نیز جان سالم به در برده و در شهرهای مختلف پنهان می‌شوند. البته بعدها، تکاپوهایی نیز توسط افراد باقیمانده صورت گرفته و تشکیلات جدید نیز تحت عنوان «کمیته مجازات دموکرات» راه‌اندازی می‌شود که در نهایت، این گروه هم کار چندانی از پیش نبرده و انحلال کامل، فرجام کار این گروه را رقم می‌زند.

فهرست منابع

۱. مهدی غنی و علی دوانی، موسسه پژوهشهای سیاسی و ر، ک: احمد کسروی، تاریخ هجده ساله آذربایجان، جلد دوم، ص ۸۳۸
۲. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، جلد ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۸۳۰
۳. مریم، صادقی، واکاوی در لُجنه: نقش بهائیان در پیدایش و استمرار رژیم پهلوی، تهران: شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۹۲، ص ۵۷
۴. کسروی، همان، ص ۸۳۰

۵. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۱۱۲

۶. افسانه منفرد، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۴، ۱۳۹۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۶۵۹۱/بهایبی-مجازان-کمیتہ>